

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

مبحث وضع

(اقام وضع)

جلسہ :

۹۳

تاریخ :

۹۰ / ۲ / ۱۲

وضع خاص
موضوع له عام

بحث هم اکنون

وضع عام
موضوع له خاص

امکان ندارد
(مگر عام اصولی، کلی
شمرده شود)

وضع عام
موضوع له عام

امکان دارد

وضع خاص
موضوع له خاص

امکان دارد

✓ بیان کلام محقق رشتی در امکان این قسم

✓ دو اشکال مرحوم قزوینی بر محقق رشتی

✓ اشکال مرحوم آخوند بر محقق رشتی

✓ بیان کلام مرحوم حائری یزدی و مرحوم مسجد شاهی

✓ بیان کلام مرحوم فاضل در امکان قسم چهارم

✓ اشکال مرحوم نائینی به امکان قسم چهارم

✓ اشکال مرحوم امام به محقق نائینی

✓ نکته ای پیرامون کلام امام خمینی

آنچه
خوانده ایم

وضع عام
موضوع له خاص

آنچه امروز
می خوانیم

«عام» مرآت خاص نیست
ولی «خاص» مرآت عام است

جزئی عبارت است از «کلی متخصص به خصوصیات جزئی»
لذا: وقتی جزئی را تصور کردید، لاجرم کلی را در ضمن آن تصور کرده اید.
(تصور رقبه مؤمنه، بالاجبار همراه با تصور رقبه است)

مثال: کسی در هنگام نامگذاری بچه اش، نام «اتومبیل» بر او نمی گذارد
چراکه می گوید کسی اسم انسان را اتومبیل نمی گذارد.
پس: حتماً در وقتی که بچه را لحاظ می کند (تصور جزئی)، ماهیت آن را لحاظ کرده است. (تصور کلی)

ما می گوییم :

ایشان می گویند در **ضمن** لحاظ جزئی، **کلی** هم لحاظ می شود.

پس : قبول دارند که کلی نیز لحاظ شده است.

پس : لحاظ عام داریم.

و کسی منکر این نیست که از تصور جزئی می توان به تصور کلی رسید.

۱

«جز با لحاظ کلی **بالاستقلال** ممکن نیست لفظ را برای آن وضع کنیم»

چراکه همراه با تصوّر «زید» هم انسان، هم حیوان و هم ناطق به ذهن می آید

و اگر تصور مستقل نسبت به آنها پیدا نکنیم، از کجا می فهمیم که اسم را بر کدامیک قرار داده ایم؟!

۲

مفهوم زید مساوی با مفهوم «**انسان متخصص به خصوصیات زیدیه**» نیست.

بلکه مفهوم زید، مفهومی است **بسیط** و به هیچ وجه انسانیت در آن لحاظ نشده است.

اگرچه همراه با آن لحاظ های دیگری هم هست (تداعی معانی).

۳

ما می گوئیم :

علت اینکه آدمی اسم فرزندش را اتومبیل نمی گذارد :

به خاطر «**لحاظ ها و معانی دیگری**» است که همراه با تصور زید به ذهن می آید.

و لذاست که که آدمی اسم فرزندش را یزید هم نمی گذارد یا اگر فرزند پس باشد، اسم دخترانه بر آن نمی گذارد.

۴

فرق است بین جایی که «**قید همراه با مطلق**» است (رقبة مؤمنة) و جایی که «**قید در دل مفهوم**» است

و لذا «انسان» با «حیوان ناطق» تغایر مفهومی دارند و کسی که انسان را می فهمد، ممکن است

«حیوان ناطق» را متوجه نشود. (اگرچه ماهیت آنها یکی است)

۵

اشكال مرحوم نائینی به امکان قسم چهارم

انّ الجزئی : لا یكون **کاسبا** و لا **مکتسباً**

اشکال حضرت امام به مرحوم نائینی

قاعده مذکور ربطی به بحث **وضع** ندارد
بلکه مربوط به بحث **معرف** و **معرف** است

حاصل قاعده :

جزئی چون آمیخته به خصوصیات است از «**غیر خودش حکایت نمی کند**» (یعنی نمی تواند شیء دیگری را تعریف کرده و ماهیت آن را معرفی کند)
و نه چیز دیگر می تواند **جزئی را معرفی کرده** و کنه آن را تعریف کند.

پس : این کلام مربوط به **مرآتیت اجمالی نیست**
بلکه مربوط به «**شناخت تعریف تام و شناختن ماهیت شیء**» است.

اگر این قاعده را بر باب وضع تطبیق دهیم، لا جرم «**وضع عام**؛ موضوع له **خاص**» هم **محال** است
چراکه در آن صورت نیز جزئی، مکتسب است.

امام می فرمودند اگر قسم سوم ممکن است، قسم چهارم نیز ممکن است. و از طرفی ایشان این قسم را پذیرفتند

الف) تصور اجمالی عام، تصور اجمالی خاص است.

ب) عام را به صورت «کل ما هو مصداق» تصور می کنیم (وضع عام اصولی)

و لفظ را بر **وجودات خارجی** و مصادیق آن قرار می دهیم.

(ولذا: این بیان سر از «وضع خاص؛ موضوع له خاص» در می آورد)

دو تقریر

از کلام

حضرت

امام

اگر تقریر **نخست** را بپذیریم:

در ضمن تصور خاص، هیچ تصویری از عام وجود ندارد. بلکه لاجرم باید عام را مستقلاً تصور کنیم.

و این همان **تداعی معانی** است.

و اگر تقریر **دوم** را بپذیریم:

وقتی «کل انسان» را تصور کنیم (وضع خاص) و بخواهیم لفظ را بر «قدر مشترک آنها» یعنی انسان،

وضع کنیم (موضوع له عام)، لاجرم باید یکی از ذاتیات آن را مستقلاً لحاظ کنیم

و حتی اگر بخواهیم لفظ را بر «تمام الاشتراک» (نوع) یعنی انسان، قرار دهیم، باز باید همین مفهوم را

مستقلاً لحاظ کنیم و این یعنی **تداعی معانی**.

در این

باره

می گوئیم